



بعدی را در یک طرح کلیه اسیران جنگی آفرین در شمال شرق آلمان گرفتند

او بدون تلخکمی به تجربه اسارتش شد. گروه می کرد و آن دوری ها نمرات غیر معمول می خوانند چرا که این امکان برای او فراهم شد که وقش را صرف مطالعه فلسفه آلمانی که بهر عم همه چیز در لری نهادن به آن بود نمی کرد، کند کتبت هگل، هوسرل، هایدگر و یاسررس همیشه چراغ های راهنمای شدی به او باقی می ماندند مسئله این نبود که او اینان را هم رای هم بینند بر عکس او تلاش بسیاری می کرد که بر تفاوت های آن ها تأکید کند اما ریکور متقاعد شده بود که تعارض های فلسفی مستلزم تأمل عمیق و شاق است و نه حل و فصل کردن شتابزده یا دفاع لجاجتانه. ضروری است که به قول او «حقوق برابر به تمیزهای رقیب اعطا کنیم» و فلسفه نبود می شود اگر راه آسان گرفتن این جنب یا آن جنب را در تنگنای بنیادی وجود بر گزینند

هدف همه آثار ریکور حدود ۲۰ کتاب و ۶۰ مقاله این بود که به ما برآموزد نیروی کامل ناآرامی رستین فکری را احسان کنیم. پس از پایان جنگ دوم، اگر ریکور از قهر کت در چهل ها پناحت شد که تحت اشاع همکاران متظاهر ترش قرار گیرد او تقریباً ۱۰ سال را به تدریس تاریخ فلسفه در استراسبورگ گذراند و عایدته در هر ترم دانشگاهی خود را عرق نظام فلسفی جدیدی می کرد به این ترتیب او با این دستاورد عظیم در سال ۱۹۵۲ به سوربن رفت و در آن جا در طول خود دهه چهل های بر حرارت فلسفی به انتظار ماند

کتاب «هماد گزایی شر» (۱۹۶۰) صورت بندی جدیدی به حس مسئولیت فلسفی ریکور داد. کلمه کلیدی او اکنون «هر منوتیک» بود، یعنی هنر تفسیر به عبرت مشهور ریکور «هماد تفکر ما را به وجود می آورد» ما آن قدر که مخلوق نمادها هستیم، خالق آن ها نیستیم و فلسفه تلاش همیشه ناتمام ما برای تعیین کردن معناهای متعدد این نمادها است. هدف از تفکر این نیست که معرفت حاصل شود بلکه هدف آن آموختن این است که ما جهان را در پرتو چهل در مان پذیرمان مورد توجه قرار می دهیم

ریکور در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با آگاهی به مناقشات فکری کشنده شد او جنبش به اصطلاح ساختار گرا را از لحاظ فلسفی به خصوص از لحاظ مخالفتش با سوژه کنیوتیه و وقعیات مستقل از زمان جزم قدیمش می یافت. انتقادهای صریح او از استادانی مثل رولان بارت و آک لاگان و لویی آلتوسر بیش از حد ویرانگر بود که آن ها پابند نظری و خویشن خاری ناپدیدمانی بگیرند، بنابراین کتاب قدر تصنده اما غیر لا کتی او «فروید و فلسفه» (۱۹۶۵) به طرز مفنضیحی در فراتر رسانیده گرفته شد

ریکور وظایفش به عنوان یک آموزگار را هم بسیار جدی می گرفت. او در اوایل دهه ۱۹۶۰ از ناتوانی نظام دانشگاهی فرانسه در مواجهه با شرایط جدید به خصوص وفور ناکهانی دانشجویان آزرده بود بنابراین در سال ۱۹۶۷ با آلمان هائی پناحت که او را بر می انگیزخت به ایجاد نوع جدیدی از دانشگاه در حومه پاریس در نکتز پاری رساند او به عنوان مسئول آموزش دانشکده ادبیات در سال بعد سومی کرد پلور ایسم شکستگارش را به نسل جدیدی از دانشجویان نقلی اینده منتقل کند اما تنها پاسخی که از آن ها گرفت خالی کردن زبانها بر سرش بود

ریکور از سال ۱۹۷۰ به بعد شروع به گسترش دامن برداشتش از هر منوتیک کرد و همچنین به دنبال یک تصدی استنادی پاره وقت در شیکاگو فضای ذهنیش را به سنت های فلسفی انگلوساکسون گشود او در «هفاده استعاره» (۱۹۷۵) و «کتب سه جلدی «زبان و روایت» (۱۹۸۳-۸۵) سعی کرد به درکی از سوژه کنیوتیه دست یابد که «تکوی ارباب خود را با خویشن (self) مریدمتن جایگزین سازد»

سوژه کنیوتیه نه یک حقیقت استعلایی است و نه پنداری اپیدنولوژیک سوژه کنیوتیه، مصنوع استعاره ها و روایتهاست که از طریق آن ها ما به طریقی بی پایان به چیستان های وجودمان شکل می بخشیم. اما آخرین اثر ریکور به پرسش های عمل و اخلاقیات باز می گردد و به قول خودش در سخنرانی های گینورد در سال ۱۹۸۶ «نیاز به رفتار کردن با خویشن به مثابه دیگری» این مضامین در آخرین اثر عمده او «خطابه تاریخ و قرآنی» (۲۰۰۰) با مسائل تاریخ و اخلاقی پرتو می خورند

او دوست داشت این جمله را از پایان رمان «خطرات یک کشیش روستایی» اثر ژور برناتوس در ۱۹۲۶ نقل کند: «بیزوری از خود آسان تر از آن چه فکر می کنیم رخ می دهد» موهبت غایی این است که بتوانیم به خودمان فروتنانه عشق بورزیم، در ست مانند هر پیرونی کتب دیگر مسیح»



استعاره ها

مقاله زیر را جان اتان ری به مناسبت در گذشت پل ریکور در روز نامه گاردین به چاپ رساند. جان اتان ری استاد فلسفه در دانشگاه میدل سکس انگلیس است.

♦ جان اتان ری ترجمه: علی ملاتکه

پل ریکور آخرین بازمانده نسل قدر تمندی از فیلسوفان فرانسوی از جمله مورس، مریلو پونتی و ژان پل سارتر بود که پیش از جنگ جهانی اول به دنیا آمده بودند.

اولین نوشته اش با نام «فراخوانی برای عمل تأملات یک دانشجوی معترض» (L'Appel De L' Action Reflexions D'Un Etudiant Protestant) در سال ۱۹۲۵ به چاپ رسید و از آن را هنگام هیچ گاه تعهدش به مستقل مربوط به عمل را از دست نداد و ایمان مسیحی اش بود که به وجود نه همیشه آرامش آرامشی روحی بخشید. مایر ریکور هنگامی که او تنها چند هفتاد بود در گذشته پدرش در سال بعد در جنگ کشته شد. این کودک پنجم شده و اوستگانش در شهر ن بزرگ کردند و در ۱۷ سالگی به پمن الهام بخش معلمش در کلاس فلسفه در دبیرستان بود که مسیر حرفه ای زندگی اش را بر گزید. او در دانشگاه نرمان ادامه تحصیل داد و خودش در سال ۱۹۲۵ معلم شد و مدت کوتاهی بعد از دواج کرد و زندگی مشترک طولانی و شادمانی با همسرش آغاز کرد. هنگامی که جنگ جهانی دوم آغاز شده به ارتش فرانسه حاضر شد تقریباً بلافاصله در جبهه به اسارت آلمانی ها در آمد. پنج سال

اولین کتاب استعاره ها در سال ۱۹۷۵ در فرانسه به چاپ رسید و در انگلیس در سال ۱۹۸۸ به چاپ رسید. این کتاب یکی از مهم ترین آثار ریکور است که در آن او به بررسی مفهوم استعاره و نقش آن در زندگی و فلسفه می پردازد. ریکور معتقد است که استعاره تنها یک ابزار ادبی نیست، بلکه یک روش تفکر است که ما را قادر می سازد تا با دنیای پیچیده و متناقض زندگی ما ارتباط برقرار کنیم. او استدلال می کند که استعاره ما را از دیدگاه های محدود و منجمد نجات می دهد و ما را به سوی تفکری باز و انعطاف پذیر سوق می دهد. در این کتاب، ریکور با استفاده از مثال های متعدد، نشان می دهد که چگونه استعاره می تواند به ما کمک کند تا با مفاهیم پیچیده و انتزاعی دست و پا کنیم و به درک عمیق تری از واقعیت ها برسیم. او همچنین به بررسی نقش استعاره در ادبیات و هنر می پردازد و نشان می دهد که چگونه این هنرها می توانند به ما کمک کنند تا با دنیای ما ارتباط برقرار کنیم و به درک عمیق تری از خود و جهان اطراف ما برسیم. در نهایت، ریکور استدلال می کند که استعاره یک ضرورت است و ما بدون آن قادر به تفکر و زندگی نخواهیم بود. این کتاب یکی از بهترین و عمیق ترین آثار ریکور است و به درک عمیق تری از فلسفه و زندگی ما کمک می کند.